

مزد روزانه‌ی عادلانه برای کار روزانه‌ی عادلانه

در ۱۵ سال اخیر شعار بالا شعار انتخاباتی جنبش کارگری انگلستان شده است و در ایام بالا گرفتن کار اتحادیه‌های کارگری و بعد از الغای قوانین ننگین ضدانتلاف در سال ۱۸۲۴، این شعار خدمات بزرگی انجام داد و از این مهم تر خدماتی بود که در زمان جنبش شکوهمند چارتیستی- یعنی زمانی که کارگران انگلیسی پیشاپیش طبقه‌ی کارگر اروپائی گام بر می داشتند، انجام گرفت. اما زمان توقف نمی کند و بسیاری از موضوعاتی که پنجاه سال و حتی سی سال پیش دلخواه و ضروری بودند، اکنون کهنه شده اند و کاملاً نامتناسب می باشند. آیا آن راه حل معروف دیرینه نیز یکی از این موضوعات است؟

مزد روزانه‌ی عادلانه برای کار روزانه‌ی عادلانه؟ خوب، اما مزد روزانه‌ی عادلانه و کار روزانه‌ی عادلانه چیست؟ و این‌ها چگونه به وسیله‌ی قوانینی که جامعه مدرن تحت آن‌ها موجودیت یافته و تکامل می یابد تعیین می شوند؟ برای آن که بتوانیم پاسخی برای این سؤالات پیدا کنیم، بایستی نه به علم اخلاق یا حقوق و یا عدالت استناد ورزیم و نه به احساسات ظریف انسان دوستانه و دادگری و یا حتی شفقت و ترحم متوسل گردیم. آن چه از نظر اخلاقی عادلانه است، آری حتی آن چه برحسب قانون عادلانه است، می تواند با آن چه از نظر اجتماعی عادلانه است، بی اندازه تفاوت داشته باشد. درباره‌ی عدالت یا بی عدالتی اجتماعی می توان فقط به کمک یک علم قضاوت کرد، به وسیله‌ی علمی که به واقعیات مادی تولید و مبادله می پردازد، یعنی علم اقتصاد سیاسی.

خوب، حالا براساس اقتصاد سیاسی چه چیزی مزد روزانه ی عادلانه و کار روزانه ی عادلانه نامیده می شود؟ خیلی ساده سطح مزد و مدت و شدت کار روزانه ای که به وسیله ی رقابت میان کارفرمایان و کارگران در بازار آزاد، تعیین می گردد. خوب، حالا که آن ها به این نحو تعیین می گردند، چیستند؟

مزد روزانه ی عادلانه تحت شرایط عادی، مبلغی است که برای امرار معاش کارگر ضروری باشد، معیشتی که او براساس سطح زندگی، موقعیت و کشور خود لازم دارد تا قادر به ادامه ی کار و بقای نسل خود باشد. سطح واقعی مزد می تواند برحسب نوسانات جریان بازار، گاهی بالاتر و گاهی پائین تر از این مقدار باشد ولی در شرایط عادی این مبلغ باید به هر حال عبارت باشد از حد متوسط کلیه ی نوسانات مردها.

کار روزانه ی عادلانه به معنی آن مدت از کار روزانه و آن شدت از کار واقعی است که طی آن یک کارگر تمام نیروی کار یک روزش را به مصرف رسانده باشد، بدون آن که به فعالیت او برای انجام کار در فردای آن روز و یا روزهای بعد از آن لطمه ای وارد آمده باشد. بر این اساس، موضوع می تواند به شرح زیر توصیف گردد:

کارگر تمام نیروی کار یک روز خود را به سرمایه دار می دهد یعنی تا حدی که برایش مقدور است و بدون آن که تکرار مداوم آن غیرممکن گردد. در مقابل او درست همان مقدار از مایحتاج زندگی را دریافت می کند که ادامه ی همان فعالیت را برای او امکان پذیر می سازد، همین و نه بیش تر. برحسب طبیعت این قرارداد، کارگر هر چه بیش تر و سرمایه دار هر چه کم تر مایه می گذارد. این کاملاً نوع مخصوصی از عدالت! است.

ولی ما می‌خواهیم قدری عمیق‌تر به موضوع بپردازیم: از آن‌جا که طبق نظر اقتصاددانان سیاسی، مزد و مدت کار، به وسیله‌ی رقابت تعیین می‌شود، عدالت باید ظاهراً چنین باشد که هر دو طرف در شرایط مساوی، نقطه‌ی حرکت عادلانه‌ی واحدی داشته باشند. اما قضیه به این صورت نیست. اگر سرمایه‌دار نتواند با کارگر به توافق برسد، این امکان برایش وجود دارد که صبر کند و در ضمن این مدت از سرمایه‌اش امرار معاش نماید. اما کارگر قادر به این کار نیست. او فقط از دست‌مزدش زندگی می‌کند و به این جهت باید در هر زمان، در هر جا و تحت هر شرایطی به کار بپردازد. برای کارگر نقطه‌ی حرکت عادلانه‌ی وجود ندارد. او به علت گرسنگی در وضع کاملاً نامناسبی قرار دارد. با وجود این، طبق اقتصاد سیاسی طبقه‌ی سرمایه‌دار، این کمال عدالت است.

البته این حداقل موضوع است. به کار بردن نیروی مکانیکی و دستگاه‌های ماشینی در حرفه‌های جدید و بسط و تکامل دستگاه‌های ماشینی در حرفه‌هایی که فعلاً رواج دارند، دائماً بیش‌تر «دست‌ها» را از محل کارشان بیرون می‌راند و این امر به مراتب سریع‌تر از به کار گماشتن «دست‌های» زائد شده توسط کارخانه‌های جدید کشور صورت می‌گیرد. این «دست‌ها» به عنوان یک ارتش ذخیره کامل در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌گیرند. در مواردی که وضع بازار بد باشد، این‌ها گرسنگی می‌کشند، به تکی می‌پردازند، دزدی می‌کنند و یا آن‌که به کارگاه می‌روند (نگاه کنید به صفحات بعد) و در ایامی که وضع بازار خوب است، برای گسترش تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند و تا زمانی که نه تنها تمام مردان بلکه تمام زنان و اطفال کار پیدا نکرده باشند. یعنی آن‌چه می‌تواند صرفاً در ایام تولید اضافی سرسام‌آور مورد داشته باشد. رقابت

(میان افراد) این ارتش ذخیره، موجب پانین نگاه داشتن دستمزدها شده، موجب تقویت سرمایه در مبارزه با کارگران می شود. کارگران نه تنها در مسابقه با سرمایه وضع ناجوری دارند بلکه باید وزنه ی سنگینی را هم که به پایشان بسته شده است، به همراه بکشند. البته این امر از نظر اقتصاد سیاسی سرمایه داری به معنی عدالت است!

حالا ما می خواهیم بررسی کنیم که سرمایه به وسیله ی کدام منبع می خواهد این دستمزد کاملاً عادلانه را بپردازد. طبیعی است به وسیله ی سرمایه. ولی سرمایه تولید ارزش نمی کند و به استثنای ملک و زمین، کار تنها منبع ثروت است. سرمایه چیزی نیست به جز انبوهی از محصول کار. از این مطلب چنین نتیجه گیری می شود که مزد کار به وسیله ی خود کار پرداخت می شود و کارگر دستمزدش را از محصول کار خودش دریافت می کند. طبق آن چه معمولاً عدالت نامیده می شود، مزد کارگر باید عبارت از محصول کار او باشد و این، براساس اقتصاد سیاسی عادلانه نیست. برعکس، محصول کار کارگر نصیب سرمایه دار می شود و کارگر سوای مایحتاج زندگیش چیزی عایدش نمی گردد و به این ترتیب نتیجه ی نهائی این مسابقه غیر عادی رقابت «عادلانه» ای است که محصول کار کسانی را که کار می کنند به طور اجتناب ناپذیری در دست آن هائی که کار نمی کنند انباشته می سازد و محصول کار در دست آن ها به صورت وسیله ی نیرومندی برای به بردگی گرفتن کسانی که آن را به وجود آورده اند، در می آید.

مزد روزانه ی عادلانه برای کار روزانه ی عادلانه. در باره ی کار روزانه ی عادلانه- که عادلانه بودن آن نیز عیناً در قماش عادلانه بودن اجرت است- باید نکاتی را متذکر شد. ولی مجبوریم این مطلب را به فرصت دیگری

محول نمائیم. از آن چه شرح دادیم، به وضوح عیان می‌گردد که این شعار قدیمی، کهنه شده و امروز دیگر اعتباری ندارد. عدالت اقتصاد سیاسی، و در حقیقت عدالتی که موجب تثبیت قوانین مسلط بر جامعه‌ی کنونی شده است، عدالتی کاملاً یک جانبه بوده و به نفع سرمایه دار است. به این جهت باید شعار انتخاباتی قدیم را برای همیشه به خاک سپرد و شعار دیگری را جانشین آن کرد.

این خود مردم زحمتکش اند که باید صاحب وسایل کار، مواد خام، کارخانه‌ها و ماشین‌آلات باشند.

منبع: مجموعه آثار «مارکس-انگلس» از متن آلمانی

«مزد روزانه‌ی عادلانه برای کار روزانه‌ی عادلانه» انگلس، جلد ۱۹، صفحات ۲۵۰-

۲۴۷

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب‌خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲